

# قانون توانگری

کاترین پاندر

ترجمه گیتی خوشدل

چاپ پنجاه و سوم

نشر پیکان

تهران ، ۱۳۹۸

## فهرست

- مقدمه: از آسمان برایتان طلا می بارد! ..... ۱
- فصل اول: حقیقت نکان دهنده درباره توانگری ..... ۹
- فصل دوم: قانون اصلی توانگری ..... ۲۸
- فصل سوم: قانون خلاء ..... ۴۳
- فصل چهارم: قانون خلاقیت ..... ۶۰
- فصل پنجم: قانون تخیل ..... ۸۱
- فصل ششم: قانون فرمان ..... ۱۰۳
- فصل هفتم: قانون افزایش ..... ۱۲۶
- فصل هشتم: گرایش توانگرانه نسبت به پول ..... ۱۴۴
- فصل نهم: کار، راهی قدرتمند برای توانگری ..... ۱۶۹
- فصل دهم: استقلال مالی ..... ۱۹۲
- فصل یازدهم: قانون محبت و خیرخواهی ..... ۲۱۹
- فصل دوازدهم: قانون دعا ..... ۲۴۲
- فصل سیزدهم: قانون اعتماد به نفس ..... ۲۶۳
- فصل چهاردهم: قدرتهای خارق العاده ای که در شما هست! ..... ۲۷۸

- فصل پانزدهم: قدرتهای ویژه‌ای که برای توانگری دارید! ..... ۲۹۴
- فصل شانزدهم: قانون پشتکار و مداومت ..... ۳۰۳
- فصل هفدهم: با قروض چه باید کرد؟ ..... ۳۰۸
- فصل هجدهم: تندرستی و اندیشه‌توانگرانه ..... ۳۱۸
- خاتمه: وقتی طلا از آسمان بر زمین نشست ..... ۳۴۶

## فصل اول

# حقیقت تکان دهنده درباره توانگری

حقیقت تکان دهنده درباره توانگری این است که توانگر بودن کاملاً درست است، نه نادرست.  
راسل اچ. کانول<sup>۱</sup> در سخنرانیهای مشهورش: «کرورها الماس» تأکید می‌کند:

مجبورید ثروتمند باشید زیرا حق ندارید فقیر باشید. زندگی کردن و ثروتمند نبودن حتماً بداقبالی است و بدبختی مضاعف آنکه به همان اندازه که می‌توانید فقیر باشید می‌توانید ثروتمند گردید. این وظیفه بی‌چون و چرای ماست که از راههای شرافتمندانه ثروتمند شویم. و البته راه شرافتمندانه تنها راهی است که به سرعت ما را به سوی ثروت می‌کشاند.

---

1. Russell H. Conwell

توجه کنید که واژه «ثروتمند» به معنای برخورداری از وفور نعمت، و همچنین زندگی غنی تر و رضایت بخش تر است. همانا میزان آرامش و تندرستی و شادمانی و فراوانی شما، میزان توانگری شما را نشان می دهد. برای رسیدن به این هدف، راههای شرافتمندانه‌ی وجود دارد که انجامشان آسان تر از آن است که اکنون بتوانید تصورش را نیز بکنید. این هم یکی دیگر از حقایق تکان دهنده درباره توانگری است.

چند دهه پیش، بازرگانی پیش بینی کرد که رهبران آینده ناگزیر باید بیشتر توجه خود را معطوف کمک به پیروان خود کنند تا بتوانند مسائل اقتصادی و مشکلات شخصی زمان حال خویش را حل کنند، و کمتر متوجه گذشته مُرده یا آینده به دنیا نیامده باشند. بدون شک از این راه، از گذشته مرده و آینده به دنیا نیامده تان نیز مراقبت خواهد شد.

### باید آرزومند توانگری باشید

شاید بزرگترین ضربه‌ی که در آغاز سخنرانی درباره توانگری بر من وارد آمد، این دریافت بود که بسیاری از کسانی که به سخنرانیهایم می آمدند هنوز اندر خم یافتن راه حلی برای آن تعارض قدیمی بودند که آیا باید آرزومند توانگری باشند یا نه؟ البته که توانگری می خواستند. هر انسان متعادل و بهنجاری آن را می خواهد. منتها در خفا مردد بودند که آیا از دیدگاه معنوی نیز باید طالب آن باشند

یا نه؟ بازرگانان و بیشتر کاسبکارانی که در سخنرانیهایم شرکت می کردند، از این که جوای توانگری بودند احساس گناه می کردند؛ اگرچه هر روز در جستجوی توانگری سخت می کوشیدند. معلوم بود که هنوز این سؤال در ذهنشان مطرح است که فقر فضیلتی معنوی است یا نقصانی مشترک و معمول؟ تعارض اندیشه شان در امورشان جلوه گر می شد و هر اندازه نیز سخت می کوشیدند، تلاشهایی را که در راه کامیابی به انجام می رساندند خنثی می کرد.

پس از چندی بر من آشکار شد که باید در این باره عقایدی جسورانه و تکان دهنده ابراز کنم تا باورهای محدودکننده‌ی که موجب شده بود این اشخاص به زندگی بخور و نمیر قناعت کنند خنثی شود. در نتیجه، چند سخنرانی را به توضیح درباره رابطه الهی میان انسان و میزان توانگری او اختصاص دادم. پس از ضربه‌های آغازین، این مردمان نیکو چه آسودگی خاطر و شادمانی ژرفی یافتند که دیگر لازم نیست برای طلب توانگری احساس گناه کنند. تازه آنگاه بود که توانستند ثمرات وصف شده را در مدت زمانی کوتاه تجربه کنند.

از آن زمان تاکنون در سخنرانیهایی که در سراسر کشور کرده ام و همچنین در مشاوره‌ها و مکاتبه‌های خصوصی بسیار درباره این موضوع و در مصاحبه‌های رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها دریافته ام که این اعتقاد همچنان به قوت خود باقی است. مردمانی نازنین را می بینم که ظاهراً سر درگم این مسأله اند که آیا باید توانگری را موهبتی معنوی پنداشت یا نه؟ اما وقتی به آنها نشان داده می شود که توانگری حتماً موهبتی معنوی است چه آسایش خاطری می یابند.